

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۹۰

آیه و ترجمه آیه ۳۳ - ۳۴

۳۳ یاءَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمْ وَ اخْشَوْا یَوْمَ لَا یَجْزِیْ وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَ لَا مَوْلُودُهُ جَازَ عَنْ وَالِدِهِ شَیْءًا اِنْ وَعَدَ اللّٰهُ حَقًّا فَلَا تَغْرَنَکُمُ الْحَیْوةُ الدُّنْیَا وَ لَا یَغْرَنَکُمُ بِاللّٰهِ الْغُرُورُ

۳۴ اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ یَنْزِلُ الْغَیْثَ وَ یَعْلَمُ مَا فِی الْاَرْحَامِ وَ مَا تَدْرِیْ نَفْسٌ مَا ذَا تُکْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِیْ نَفْسٌ بَآئِ اَرْضٍ تَمُوتُ اِنَّ اللّٰهَ عَلِیْمٌ خَبِیْرٌ
ترجمه :

۳۳ - ای مردم! از خدا بپرهیزید، و از روزی بترسید که نه پدر جزای اعمال فرزند خود را تحمل می کند و نه فرزند چیزی از جزای پدر را، مسلماً وعده الهی حق است مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا شیطان شما را مغرور سازد.

۳۴ - آگاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست، و او است که باران را نازل می کند، و آنچه در رحم مادران است می داند، و هیچکس نمی داند فردا چه می کند، و هیچکس نمی داند در چه سرزمینی می میرد، فقط خداوند عالم و آگاه است.

تفسیر:

وسعت علم خداوند

در این دو آیه که آخرین آیه سوره لقمان است، نخست به صورت یک جمع بندی از مواعظ و اندرزهای گذشته، و دلایل توحید و معاد، همه انسانها را به خدا و روز قیامت توجه می دهد، سپس از غرور ناشی از دنیا و شیطان بر حذر می دارد

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۹۱

و بعد به وسعت دامنه علم خداوند و شمول آن نسبت به همه چیز می پردازد. می فرماید: «ای مردم از خدا بپرهیزید» (یا ایها الناس اتقوا ربکم). «و از روزی بترسید که نه پدر بار گناه فرزندش را به دوش می کشد، و نه فرزند چیزی از مسئولیت پدر را تحمل می کند» (و اخشوا یوما لا

یجزی والد عن ولده و لا مولود هو جاز عن والده شیئا).

در حقیقت دستور اول، توجه به مبدء است، و دستور دوم توجه به معاد. دستور اول، نیروی مراقبت را در انسان زنده می‌کند، و دستور دوم احساس پاداش و کیفر را، و بدون شک کسی که بداند شخص خیر و آگاهی تمام اعمال او را می‌بینند و می‌دانند و ثبت و ضبط می‌کند، و از سوی دیگر محکمه و دادگاه عدلی برای رسیدگی به تمام جزئیات آن تشکیل می‌دهد، چنین انسانی کمتر آلوده گناه و فساد می‌شود.

جمله «لا یجزی» از ماده جزا است و «جزا» از نظر لغت به دو معنی آمده یکی پاداش و کیفر دادن در برابر چیزی (چنانکه گفته می‌شود جزاه الله خیرا: خداوند او را پاداش خیر داد).

و دیگری کفایت کردن و جانشین شدن و تحمل نمودن، چنانکه در آیه مورد بحث آمده است: لا یجزی والد عن ولده: «هیچ پدری، مسئولیت اعمال فرزندش را قبول نمی‌کند و به جای او نمی‌نشیند و از او کفایت نمی‌کند».

ممکن است هر دو به یک ریشه باز گردد، چرا که پاداش و کیفر نیز جانشین عمل می‌شود، و به مقدار آن است (دقت کنید). به هر حال در آن روز هر کس چنان به خود مشغول است و در پیچ و خم اعمال خویش گرفتار که به دیگری نمی‌پردازد، حتی پدر و فرزند که نزدیکترین رابطه‌ها را با هم دارند هیچکدام به فکر دیگری نیستند. این آیه نظیر همان است که در آغاز سوره حج آمده که درباره قیامت وزلزله

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۹۲

رستاخیز می‌گوید: یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت: «روزی که آن را مشاهده کنید، مادران شیرده فرزندان شیر خوار خود را فراموش می‌کنند».

قابل توجه اینکه در مورد «پدر» تعبیر به لا یجزی، (فعل مضارع می‌کند) و در مورد فرزند تعبیر به «جاز» (اسم فاعل). این تفاوت تعبیر ممکن است از باب تنوع در سخن باشد، یا اشاره به وظیفه و مسئولیت فرزند در مقابل پدر، زیرا اسم فاعل دوام و تکرار بیشتری را می‌رساند.

به تعبیر دیگر از عواطف پدری انتظار می‌رود که حداقل در پاره‌ای از

موارد تحمل عذاب فرزندان را بکند آنچنان که در دنیا ناملایمات او را به جان می‌خرد ولی در مورد فرزندان انتظار می‌رود که مقدار بیشتری از ناملایمات پدر را به خاطر حقوق فراوانی که بر او دارد متحمل شود، در حالی که هیچیک از این دو، در آن روز، کمترین مشکلی را از دیگری نمی‌گشایند و همه رفتار اعمال خویشند و سر در گریبان خود.

در پایان آیه انسانها را از دو چیز بر حذر می‌دارد، می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ خَدَّاقِ اسْتِ مَبَادَا زَنْدَکِی دَنْیَا شَمَا رَا بَفْرِیْدِ، وَ مَبَادَا شَیْطَانِ شَمَا رَا کَوْلِ زَنْدَکِی» (ان وعد الله حق فلا تغرنکم الحیوة الدنیا و لا یغرنکم بالله الغرور).

در واقع در برابر دو امر که در آغاز آیه بود، دو نهی در اینجا دیده می‌شود زیرا اگر توجه به خدا و ترس از حساب و جزا در انسان زنده شود ترس از انحراف و آلودگی در او نیست، مگر از دو راه: یکی اینکه زرق و برق دنیا، واقعیتها را در نظر او دگرگون سازد، و قدرت تشخیص را از او بگیرد که حب دنیا ریشه همه گناهان است، دیگر اینکه وسوسه‌های شیطانی او را فریب دهد، و مغرور سازد و از مبدا و معاد دور کند.

اگر این دو راه نفوذ گناه بسته شود دیگر هیچ خطری او را تهدید نمی‌کند، و به این ترتیب چهار دستور فوق مجموعه کاملی از برنامه نجات آدمی

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۹۳

را فراهم می‌سازد.

در آخرین آیه این سوره به تناسب بحثی که پیرامون روز رستاخیز در آیه قبل به میان آمد، سخن از علوم می‌آورد که مخصوص پروردگار است می‌گوید: «آگاهی بر زمان قیام قیامت مخصوص خدا است» (ان الله عنده علم الساعة).

«و او است که باران را نازل می‌کند و از تمام جزئیات نزول آن آگاه است» (و ینزل الغیث).

و نیز «او است که از فرزندان که در رحم مادرانند (با تمام مشخصات آنها) آگاه است» (و یعلم ما فی الارحام).

و «هیچکس نمی‌داند فردا چه می‌کند» (و ما تدری نفس ما ذا تکسب غدا).

«و هیچکس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟» (و ما تدری نفس بای ارض تموت).

«خداوند عالم و آگاه است» (ان الله علیم خبیر).
گوئی مجموع این آیه پاسخ به سؤالی است که در زمینه قیامت مطرح می شود
همان سؤالی که بارها مشرکان قریش از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
کردند و گفتند: متی هو: روز قیامت کی خواهد بود (اسراء ۵۱).
قرآن در پاسخ آنان می گوید: هیچکس جز خدا، از لحظه قیام قیامت
آگاه نیست و طبق صریح آیات دیگر خداوند این علم را از همه مخفی
داشته است ان الساعة آتیة اکاد اخفیها: «قیامت خواهد آمد و من می خواهم
آن را پنهان سازم» (طه - ۱۵).
تا هرگز غرور و غفلت دامن افراد را نگیرد.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۹۴

سپس می گوید: نه تنها مساله قیامت است که از شما پنهان است، در
زندگی روزمره شما و در میان نزدیکترین مسائلی که با مرگ و حیاتتان سر و
کار دارد مطالب فراوانی وجود دارد که شما از آن بیخبرید.
زمان نزول قطرات حیاتبخش باران که زندگی همه جانداران به آن
بستگی دارد بر هیچیک از شما آشکار نیست، و تنها با حدس و تخمین و گمان
از آن بحث می کنید.
همچنین از زمان پیدایش شما در شکم مادر و خصوصیات جنین، احدی آگاه
نیست.
و نیز آینده نزدیک یعنی حوادث فردای شما و نیز محل مرگ و بدرود حیاتتان
بر همه پوشیده است.
شما که از این مسائل نزدیک به زندگی خود اطلاعی ندارید چه جای تعجب
که از لحظه قیام قیامت بی خبر باشید.
در تفسیر در «المنثور» نقل شده که مردی به نام «وراث» از
طائفه «بنی مازن» خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد گفت:
ای محمد! کی قیامت بر پا می شود؟ بعلاوه شهرهای ما در خشکسالی فرورفته،
کی فراوانی نعمت می شود؟ و نیز هنگامی که آمدم همسرم باردار بود کی
فرزند می آورد؟ و نیز من می دانم امروز چه کرده ام فردا چه خواهم کرد؟ و
بالاخره من می دانم در کجا متولد شده ام بگو ببینم

در کدام سرزمین می میرم؟!
آیه فوق نازل شد و گفت علم همه این امور نزد خدا است.
نکته‌ها:

۱ - انواع غرور و فریب!

آیات فوق هشدار می دهد که زرق و برق زندگی دنیا شما را نفریبد سپس از فریب شیطان سخن می گوید و نسبت به آن اعلام خطر می کند، زیرا مردم چند گروهند.
بعضی آنقدر ضعیف و ناتوانند که تنها مشاهده زرق و برق دنیا برای فریب و غرورشان کافی است.
اما بعضی که مقاومت بیشتری دارند، وسوسه های شیطان نیز باید به آن افزوده شود، و شیطان درون و برون دست به دست هم دهند تا آنها را بفریبند، تعبیرات آیه فوق هشدار می است به همه این گروهها.
ذکر این نکته نیز لازم است که غرور (بر وزن جسور) به معنی هر موجود فریبنده است، و اینکه آن را تفسیر به شیطان کرده اند، در حقیقت بیان مصداق واضح آن است، و الا هر انسان فریبنده، هر کتاب فریبنده، هر مقام وسوسه گر و هر موجودی، که انسان را گمراه سازد در مفهوم وسیع این کلمه داخل است، مگر اینکه مفهوم شیطان را چنان وسعت دهیم به گونه ای که همه اینها را شامل شود.
لذا راغب در مفردات می گوید: غرور هر چیزی است که انسان را مغرور سازد و بفریبد، اعم از مال و مقام و شهوت و شیطان، و اینکه به شیطان تفسیر شده به خاطر این است که خبیث ترین فریبندگان است. و اینکه بعضی آن را به دنیا تفسیر کرده اند به خاطر فریبندگی دنیاست

چنانکه در نهج البلاغه می خوانیم تغر و تضر و تمر: «می فریبد و ضرر می زند و می گذرد!».

۲ - فریبندگی دنیا

بدون شک بسیاری از مظاهر زندگی دنیا غرور آمیز و غفلت زا است، و گاه چنان انسان را به خویشتن مشغول می دارد که از هر چه غیر آن است

غافل می‌سازد. به همین دلیل در بعضی از روایات اسلامی از امیر مومنان علی (علیه السلام) می‌خوانیم که وقتی از آن حضرت پرسیدند: ای الناس اثبت رأیاً: چه کسی از همه مردم بافکرت‌تر، و از نظر اندیشه ثابت‌تر است؟ فرمود: من لم يغره الناس من نفسه و لم تغره الدنيا بتشويقها: کسی که مردم فریبکار او را نفریبند، و تشویق‌های دنیا نیز او را فریب ندهد.

ولی با این حال در لابلای صحنه‌های مختلف همین دنیای فریبنده صحنه‌های گویائی است که ناپایداری جهان و تو خالی بودن زرق و برق‌های آن را به روشن‌ترین وجهی بیان می‌کند حوادثی که هر انسان هوشمندی را می‌تواند بیدار کند، بلکه ناهوشمندان را نیز هوشیار می‌سازد.

در حدیثی می‌خوانیم که امیر مومنان علی (علیه السلام) از کسی شنید که دنیا را مذمت می‌کند و آن را فریبنده می‌شمرد، علی (علیه السلام) رو به او کرد و فرمود: ایها الذام للدنيا المغتر بغرورها، المخدوع باباطيلها، اتغتر بالدنيا ثم تذمها؟ انت المتجرم عليها ام هي المتجرمة عليك؟ متی استهوتک؟ ام متی غرتک؟ ايمصارع آبائك من البلى ام بمضاجع امهاتك تحت الثرى...؟!

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۹۷

ان الدنيا دار صدق لمن صدقها، و دار عافية لمن فهم عنها، و دار غنى لمن تزود منها، و دار موعظة لمن اتعظ بها، مسجد احباء الله، و مصلی ملائكة الله، و مهبط وحی الله، و متجر اولياء الله...

«ای کسی که نکوهش دنیا می‌کنی! در حالی که تو خود به غرور دنیا گرفتار شده‌ای، و فریفته باطل‌های آن هستی.

تو خود مغرور به دنیا شده‌ای، سپس از آن مذمت می‌کنی؟

تو از جرم دنیا شکایت داری، یا دنیا باید از جرم تو شکایت کند؟

کی دنیا تو را گول زده؟، و چه موقع تو را فریب داده است؟! آیا به محل سقوط پدرانت در دامن فنا، و یا بخوابگاه مادرانت در زیر خاک تو را فریب داده است؟... اما بدان این دنیا جایگاه صدق و راستی است برای آن کسی که با آن به راستی رفتار کند، و خانه تندرستی است برای آن کس که از آن چیزی بفهمد، و سرای بی‌نیازی است برای آن کس که از آن توشه بگیرد، و محل اندرز است برای آنکه از آن اندرز گیرد دنیا مسجد دوستان خداست، و نمازگاه فرشتگان پروردگار، و محل نزول وحی الهی و تجارتخانه اولیاء حق!....

۳ - این علوم پنجگانه مخصوص خدا است

گذشته از اینکه لحن آیه فوق حکایت از این دارد که آگاهی از قیامت و نزول باران و چگونگی جنین در رحم مادر، و اموری را که انسان در آینده انجام می‌دهد، و محل مرگ او، در اختیار خداوند است و دیگران را به آن راهی نیست، روایاتی که در تفسیر آیه نیز وارد شده این حقیقت را تأکید می‌کند.

از جمله در حدیثی می‌خوانیم: ان مفاتیح الغیب خمس لا یعلمهن الا الله

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۹۸

و قراء هذه الاية: کلیدهای غیب پنج است که هیچکس جز خدا نمیداند سپس آیه فوق را تلاوت فرمود.

در روایت دیگری که در «نهج البلاغه» آمده است می‌خوانیم: هنگامی که علی (علیه السلام) از بعضی حوادث آینده خبر می‌داد یکی از یاران عرض کرد: ای امیر مومنان! از غیب سخن می‌گوئی؟ و به علم غیب آشنائی؟ امام خندید و به آن مرد که از طایفه بنی کلب بود فرمود: یا ابا کلب! لیس هو بعلم غیب، و انما هو تعلم من ذی علم، و انما علم الغیب علم الساعة وما عدده الله سبحانه بقوله ان الله عنده علم الساعة... فیعلم الله سبحانه مافی الارحام، من ذکر او انثی، و قبیح او جمیل، و سخی او بخیل، و شقی او سعید، و من یکون فی النار حطباً و فی الجنان للنبیین مرافقاً، فهذا علم الغیب الذی لا یعلمه احد الا الله، و ما سوی ذلک فعلم علمه الله نبیه فعلمنیه و دعا لی بان یعیه صدی و تضطم علیه جوانحی:

ای برادر کلبی! این علم غیب نیست، این فرا گرفته‌ای است از عالمی (یعنی پیامبر) علم غیب تنها علم قیامت است، و آنچه خداوند سبحان در این آیه بر شمرده... و بعد از ذکر آیه شریفه فرمود: خداوند سبحان از آنچه در رحمها قرار دارد آگاه است، پسر است یا دختر؟ زشت است یا زیبا؟ سخاوتمند است یا بخیل؟ سعادت‌مند است یا شقی؟ چه کسی آتشگیره دوزخ است و چه کسی در بهشت دوست پیامبران؟... اینها علوم غیبیه‌ای است که غیر از خدا کسی نمی‌داند و غیر از آن علومی است که خداوند به پیامبرش تعلیم کرده و او به من آموخته است، و برایم دعا نمود که خدا آن رادر سینه‌ام جای دهد و اعضای پیکرم را از آن مالا مال سازد.

از این روایت به خوبی بر می آید که منظور از عدم آگاهی مردم از این امور پندجگانه تمام خصوصیات آنها است، فی المثل اگر روزی وسائلی در اختیار بشر قرار گیرد - که هنوز آن روز فرا نرسیده است - و از پسر یا دختر بودن جنین به طور قطع آگاه شوند، باز این امر مساله ای ایجاد نمی کند، چرا که آگاهی از جنین به آن است که تمام خصوصیات جسمانی، زشتی و زیبائی، سلامت و بیماری، استعدادهای درونی ذوق علمی و فلسفی و ادبی، و سایر صفات و کیفیات روحی را بدانیم، و این امر برای غیر خدا امکان پذیر نیست.

همچنین اینکه باران در چه موقع نازل می شود؟ و کدام منطقه را زیر پوشش قرار می دهد؟ و دقیقا چه مقدار در دریا و چه مقدار در صحرا و دره و کوه و بیابان می بارد؟ جز خدا کسی نمی داند. در مورد حوادث فردا، و فرداها، و خصوصیات و جزئیات آنها نیز همین گونه است.

و از اینجا پاسخ سوالی که غالباً در اینجا مطرح می شود به خوبی روشن می گردد که می گویند ما در تواریخ و روایات متعددی می خوانیم که ائمه اهل بیت (علیهم السلام) و حتی بعضی از اولیاء الله غیر از امامان، از مرگ خود خبر دادند، و یا محل دفن خود را بیان کردند، از جمله در حوادث مربوط به کربلا، بارها در روایات خوانده ایم که پیامبر یا امیر مومنان (علیه السلام) و انبیا سلف که از وقوع شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش در این سرزمین خبر داده اند.

و در کتاب اصول کافی بابی در زمینه آگاهی ائمه از زمان وفاتشان دیده می شود.

پاسخ این است که: آگاهی بر پاره ای از این امور به صورت علم اجمالی بآنها از طریق تعلیم الهی - هیچ منافاتی با اختصاص علم تفصیلی آنها به ذات پاک خداوند ندارد.

و تازه همانگونه که گفتیم همین اجمال نیز ذاتی و استقلال نیست، بلکه

جنبه عرضی و تعلیمی دارد، و از طریق تعلیم الهی است، به مقداری که خدای خواهد و صلاح می داند.

لذا در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که یکی از یارانش سوال کرد: آیا امام علم غیب می داند؟ قال: لا، و لکن اذا اراد ان يعلم الشیء اعلمه الله ذلک:

«فرمود: نه، امام علم غیب را (ذاتاً) نمی داند، ولی هنگامی که اراده کند چیزی را بداند خدا به او تعلیم می دهد.»

در زمینه علم غیب و چگونگی آگاهی انبیا و امامان از آن روایات فراوانی وارد شده که در ذیل آیات مناسب از آن بحث خواهیم کرد، ولی مسلم است که در این میان علوم وجود دارد که غیر از خدا هیچکس از آن آگاه نیست.

پروردگارا! چشم قلب ما را به نور علوم و دانشها روشن فرما! و گوشه‌ای از علم بی‌پایانت را به ما ارزانی فرما.

خداوند! چنان فرما که زرق و برق این جهان ما را نفریبد و شیطان فریبنده و هوای نفس ما را مغرور نسازد

بارالها! چنان کن که همواره از احاطه علمیات به ما آگاه باشیم، و در محضر آنچه بر خلاف رضای تو است انجام ندهیم.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۰۱

مقدمه

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۰۳

نامهای این سوره

معروف این است که این سوره در مکه نازل شده است. بعضی از مفسران هیچیک از آیات آن را استثناء نکرده‌اند، ولی بعضی دیگر آیه ۱۸ تا ۲۰ رامدنی می‌دانند، و معتقدند این سه آیه در مدینه نازل شده، در حالی که هیچ‌قرینه و نشانه‌ای در این آیات از مدنی بودن به چشم نمی‌خورد.

نام این سوره در بعضی از روایات و در لسان مشهور مفسران سوره سجده یاالم سجده است، و گاه برای مشخص ساختن آن از سوره حم سجده آنرا به نام سجده لقمان می‌خوانند، چرا که بعد از سوره لقمان قرار گرفته.

در بعضی از روایات نیز از آن به الم تنزیل یاد شده.

فخر رازی و آلوسی نیز نام سوره مضاجع را از جمله نامهای آن ذکر کرده‌اند (به تناسب آیه ۱۶ این سوره تتجافی جنوبهم عن المضاجع...).

فضیلت تلاوت سوره سجده

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین آمده است: من قراء الم تنزیل و تبارک الذی بیده الملك، فکانما احیا لیلة القدر: کسی که سوره الم تنزیل و تبارک را بخواند مانند آن است که شب قدر را احیا گرفته باشد.

در حدیث دیگری از امام جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) چنین نقل شده: من قراء سوره السجدة فی کل لیلة جمعه اعطاه الله کتابه بيمينه، و لم یحاسبه بما کان منه، و کان من رفقاء محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت: هر کس سوره سجده را در

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۰۴

هر شب جمعه بخواند خداوند نامه اعمال او را به دست راست او می‌دهد، و گذشته او را می‌بخشد، و از دوستان محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیتش (علیهم السلام) خواهد بود.

از آنجا که در این سوره بحثهای گسترده‌ای از مبدء و معاد و مجازاتهای مجرمان در روز رستاخیز و درسهای هشدار دهنده‌ای مربوط به مومنان و کافران آمده است بدون شک تلاوت آن، ولی تلاوتی که سرچشمه اندیشه، و اندیشه‌های که مبدء تصمیم‌گیری و حرکت بوده باشد، می‌تواند آنچنان انسان را بسازد که مشمول این همه فضیلت و افتخار گردد و اثر بیدارکننده‌اش همچون احیاء شب قدر و نتیجه‌اش قرار گرفتن در صف اصحاب الیمین، و رسیدن به افتخار دوستی پیامبر و آلش گردد

محتوای سوره سجده

این سوره به حکم آنکه از سوره‌های مکی است خطوط اصلی سوره‌های مکی یعنی بحث از مبدء و معاد و بشارت و انذار را قویا تعقیب می‌کند و روی هم رفته در آن چند بخش جلب توجه می‌کند:

۱- قبل از هر چیز سخن از عظمت قرآن، و نزول آن از سوی پروردگار عالمیان، و نفی اتهامات دشمنان از آن است.

۲- سپس بحثی پیرامون نشانه‌های خداوند در آسمان و زمین، و تدبیر

این جهان دارد.

- ۳ - بحث دیگری پیرامون آفرینش انسان از «خاک» و «آب نطفه» و «روح الهی» و اعطای وسائل فراگیری علم و دانش، یعنی چشم و گوش و خرد از سوی خداوند به او می باشد.
- ۴ - بعد از آن از رستاخیز و حوادث قبل از آن یعنی مرگ و بعد از آن یعنی

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۰۵

سوال و حساب سخن می گوید.

- ۵ و ۶ - بحثهای موثر و تکان دهنده‌ای از بشارت و انداز دارد مومنان را به جنه الماوی نوید می دهد و فاسقان را به عذاب آتش تهدید می کند.
- ۷ - به همین مناسبت اشاره کوتاهی به تاریخ بنی اسرائیل و سرگذشت موسی (علیه السلام) و پیروزیهای این امت دارد.
- ۸ - و باز به تناسب بحث بشارت و انداز اشاره‌ای به احوال گروهی دیگر از امتهای پیشین و سرنوشت دردناک آنها می کند.
- ۹ و ۱۰ - بار دیگر به مسئله توحید و نشانه‌های عظمت خدا باز می گردد و با تهدید دشمنان لجوج سوره را پایان می دهد.
- به این ترتیب هدف اصلی سوره تقویت مبانی ایمان به مبدء و معاد و ایجاد موج نیرومندی از حرکت به سوی تقوا، و بازداري از سرکشی و طغیان و توجه به ارزش مقام والای انسان است که مخصوصا در آغاز حرکت اسلام و در محیط مکه فوق العاده لازم بوده.

← بعد

↑ فهرست

→ قبل